

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم می شود به :

مُخْلِصِينَ
مُخْلِصِينَ
مُؤْمِنِينَ
مُتَّقِينَ
صَالِحِينَ
رَاكِعِينَ
سَاجِدِينَ
شَاكِرِينَ
صَادِقِينَ
خَائِفِينَ

و بازنشستگانِ عزیزا!

با تشکر از؛

- * دزدانی که اقدامشان مرا به روشن بینی سوق داده است!
- * آقای دونالد جی ترامپ که یادم انداخت، « هرگز (به شیطان)،
تسلیم نشوم »!
- * جناب اکهارت تله مرا آموخت، « لحظه حال » اصلی ترین دروازه حضور
است.
- * جناب سرهنگ حسین ایزدی که در تهیه این مجموعه سهیم بوده
است.
- * هیأت مدیره محترم کانون مهندسين شهرستان بابل، که در
توسعه‌ی فرهنگ کتاب و کتاب خوانی مشارکت می‌نمایند.
- * مرکز انتشارات توسعه علوم؛ (دکتر سید اکبر ساداتی)، در چاپ و
انتشار این اثر همکاری و نقش داشته است.
- *همه‌ی دوستانی که این کتاب را تهیه و مطالعه نموده و به دیگران
هدیه یا توصیه می‌نمایند.

به جهت هم‌افزایی در حمایت از بنگاه‌های اقتصادی داخلی:

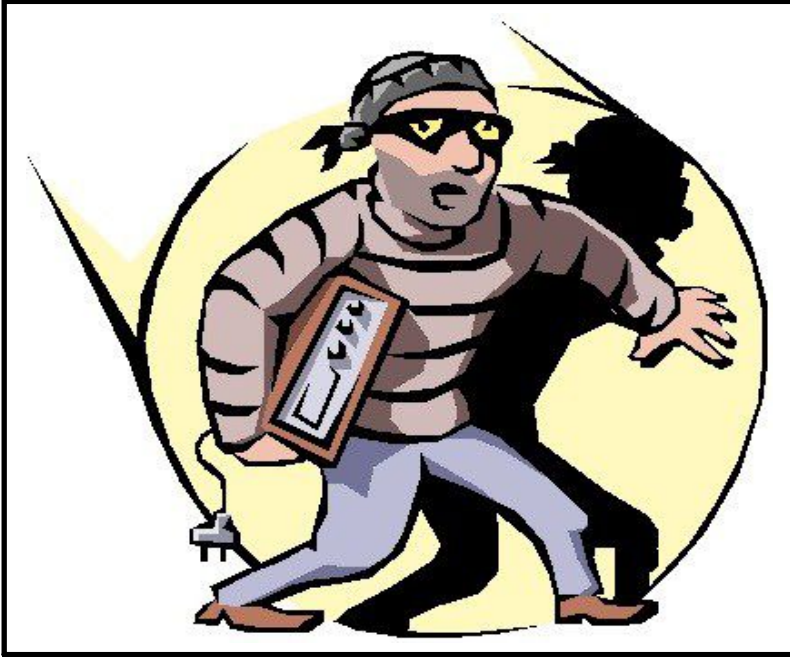
سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد

وان چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد
مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش
کو به تأیید نظر حل معما می‌کرد
دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست
و اندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد
گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم
گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد
بی دلی در همه احوال خدا با او بود
او نمی‌دیدش و از دور خدا را می‌کرد
این همه شعبده خویش که می‌کرد این جا
سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد
گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد
فیض روح القدس از باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آن چه مسیحا می‌کرد
گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست
گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد

دزدی

(با رویکرد: سقوط از هبوط)



مؤلف :

مهندس حسین فغان پور گنجی

سرشناسه : فغان پور گنجی، حسین، ۱۳۴۷ -
 عنوان و نام : دزدی (با رویکرد: سقوط از هبوط) / مؤلف: حسین
 پدیدآور : فغان پور گنجی.
 مشخصات نشر : ساری : مرکز انتشارات توسعه علوم، ۱۳۹۷.
 مشخصات : ۱۰۵ ص.: مصور، جدول.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 ظاهری
 شابک : ریال ۹۰۰۰۰ - ۹۷۸۶۰۰۸۶۴۰۱۵۸ :
 وضعیت : فیبا
 فهرست نویسی
 یادداشت : کتابنامه: ۶۶-۶۷.
 موضوع : دزدی -- ایران
 موضوع : Theft -- I
 رده بندی : HV۱۳۹۷۶۶۶۵ ۷ف۹الف/
 کنگره
 رده بندی : ۱۶۲۰۹۵۵/۳۶۴ :
 دیویی
 شماره : ۵۱۳۶۸۶۷ :
 کتابشناسی ملی



ساری- خیابان ۱۸ دی- مقابل بانک ملی- واحد مطالعات و تحقیقات- (تلفکس : ۳۳۳۲۰۰۵۷)

نام کتاب : دزدی (با رویکرد: سقوط از هبوط)

مؤلف : مهندس حسین فغان پور گنجی - ناشر : مرکز انتشارات توسعه علوم

چاپ : بیکران - شمارگان : ۱۰۰۰ جلد - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

کدبین المللی کتاب : ۸-۱۵-۸۶۴۰-۶۰۰-۹۷۸ - قیمت : ۹۰۰۰۰ ریال

طراحی و مدیریت چاپ : واحد تحقیقات - مهندس سیدعباس ساداتی (۰۹۱۱۳۵۱۱۶۶۵)

فروش: در فروشگاه های معتبر سراسر کشور

آدرس اینترنتی: www.copdsiran.org - پست الکترونیک: copdsiran@gmail.com

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

فهرست مندرجات

۹	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۵	شرح واقعه ی دزدی
۲۱	ورود به کندو کاو در خصوص دزدی
۲۷	کودکان و دزدی!
۲۷	چه باید کرد؟ والدین و معلمان و ...
۳۱	قانون چه می گوید؟ اجرای حدّ و شرایط آن
۳۵	مطبوعات و رسانه ها
۳۷	معاون اجتماعی انتظامی شهرستان بابل
۳۹	چارچوب نظری سرقت
۳۹	نظریه بی سازمانی اجتماعی
۴۰	نظریه بزه دیدگی یا قربانی شدن
۴۰	نظریه خرده فرهنگی کوهن ومیلر
۴۱	نظریه یادگیری اجتماعی
۴۲	نظریه پیوندافتراقی ساترلند
۴۳	نظریه تقویت ترجیحی اکرز
۴۳	اصول اساسی نظریه تقویت ترجیحی اکرز
۴۴	نظریه فشار
۴۵	علل وعوامل جرم سرقت
۴۶	انواع سرقت
۴۶	سرقت خودرو
۴۸	سرقت منازل
۵۰	جمع بندی

۵۰	بحث و راهکارهای پیشگیری از سرقت منزل
۵۴	بحث و راهکارهای پیشگیری از سرقت خودرو
۵۵	بحث و راهکارهای پیشگیری از سرقت خودرو و داخل آن:
۵۵	چه خودروهایی در معرض سرقت قرار دارند؟
۵۶	سرقت لوازم خودرو ، پرشمارترین جرم در کشور
۵۷	بحث و راهکارهای پیشگیری از سرقت موتورسیکلت
۵۹	راهکارهای پیشگیری از سرقت مغازه
۶۰	پیشنهادات لازم پیشگیری از سرقت در معابر عمومی
۶۲	قرآن و داستان آدم صفی الله
۶۷	گپ و گفتمانی خودمانی با خدا
۸۱	تشبیه آدم به رایانه
۸۵	نتیجه
۸۵	انعکاس دزدی
۸۷	علت های دزدی
۸۷	تکالیف در قبال دزدی
۹۰	کلام آخر
۹۱	پیوست
۱۰۳	منابع

مقدمه

از شما مسلمانان برخی (که دانا و با تقوا ترند)، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند، و اینان که به حقیقت واسطه‌ی هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال فیروز بختی و رستکاری خواهند بود، و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات و أدله روشن برای هدایت آنها آمد، باز راه تفرقه و اختلاف پیمودند که البته برای چنین مردمی عذاب سخت خواهد بود. (آیات ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره آل عمران)

عمل غیراخلاقی دزدی در جوامع بشری از جمله کشورمان، به یک چالش اصلی و ملی تبدیل گردیده است. آمار متعددی از دزدی‌های خرد و کلان صورت گرفته از سوی سارقین مختلف و در سطح و وزن و عیار متفاوت که توسط رسانه‌های معتبر منعکس می‌شود، متأسفانه مؤید آن است.

اگرچه افراد جامعه به تقبیح این عمل ناصواب می‌پردازند، و برخورد با دزدان پس از شکایت مال‌باخته از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد، اما حقیقت تلخ تر و فراتر از باورهای عامه است! این موضوع، وقتی به درستی درک می‌شود که شخص با پدیده‌ی زشت دزدی مواجهه گردد. من مال‌باخته‌ام و در پی چندین فقره سرقت ریز و درشت که از آپارتمان محل سکونتم، و دیگر منازل و ماشین‌های اطراف ما به وقوع پیوست، شامگاه روز دوشنبه ۹۱/۹/۲۰ به اندیشیدن و

پژوهش در این زمینه ورود کرده‌ام، و تا دوشنبه ۹۱/۱۲/۷ نیز پیوسته و بطور جدی درگیر این موضوع بوده‌ام، جالب توجه اینکه؛ دو شب قبل از پایان این پژوهش و جمع بندی مطالب، کابل های تلفن آپارتمان ما و برخی از همسایه ها، از سوی سارقی (احتمالاً معتاد)، برای سوزاندن و گرفتن چند گرم سیم بریده می‌شود و ما را چند روز درگیر مخابرات منطقه می‌کند و مدیر مخابرات هم به بهانه ی عدم همکاری کلانتری در دادن مأمور، از رسیدگی به مشکل ما خود داری می‌کند! گرچه با پیگیری مُجِدَّانه و مراجعه به مخابراتِ مرکز استان و بیان دو کلمه حرف حساب، یک قرقه کابل برای مخابرات منطقه فرستاده میشود، و مشکل همگان حل می‌شود، اما حکایت دزدی همچنان باقی است! چند سالی از تهیه ی پیش نویس این کتاب گذشته است ولی علی رقم چاپ کتاب‌های «مشاغل مرتبط باخودرو» و «یک ساعت رویایی» توسط اینجانب؛ انگیزه ای برای چاپ این کتاب نداشته، و در حقیقت شرم داشتم! اینک در بهمن ماه ۱۳۹۶ و در پی اعتراضات و اغتشاشات اخیر و نشر مطالب شبهه ناک و ناامید کننده از سرقت و اختلاس در رسانه ها و فضاهای مجازی و گروهی، احساس می‌کنم حرمت ها شکسته شده، و قُبْح «دزدی» کم شده است، و می رود تا در اذهان و باورهای اقشاری از مردم این امر موجه جلوه کند، و همچون رفتار قوم لوط یک امر عادی گردد! عیان است که دزدانِ پَر به سر نیز؛ همراه جمعیت می‌دوند، و داد می‌زنند، آی دزدا، آی دزدا! چاپ و انتشار این مطالب نه از سر فزونی داشته‌ها و دانسته‌هاست، بلکه؛ از جهت آسیب‌هاست! بهانه ای است

برای تحریک و تشویق اندیشمندان و صاحب نظران عرصه های قضایی و اجتماعی و اقتصادی و تربیتی و امنیتی و رسانه های جمعی که ورود جدی در این خصوص داشته باشند. در ماه های اخیر، مطالعه ی دو کتاب «هرگز تسلیم نشو» نوشته ی دونالد ترامپ و «نیروی حال» نوشته اکهارت تله اراده ام را مضاعف و عزمم را برای تألیف مجدد (علی رقم همه ی مشکلات و ضررهای مادی)، راسخ نموده است. امیدوارم این کتاب در حکم انجام تکلیف شرعی «امر به معروف و نهی از منکر» مأجور درگاه حق گردد. همچنین؛ با رعایت بهداشت نفسانی و اقدام همگانی ملت کهن و متمدن و متدین ما، هرچه زودتر این ویروس از پیکر جامعه متلاشی گردد. انشاءالله!

در راستای این هدف ارزشمند، ابتدا به واقعیت های عینی درون جامعه در خصوص «دزدی» پرداخته می شود، سپس؛ با انعکاس مطالب سایت ها و تحقیقات سایرین، بعضی از علل و ریشه های دزدی بیان می - گردد، به چگونگی برخورد با سارقین براساس موازین شرعی و قانونی اشاره می شود، نقطه نظر های معاونت اجتماعی نیروی انتظامی شهرستان بابل منعکس می گردد. در ادامه از سر دلتنگی و براساس باورهای دینی و اعتقادی ناقص و احتمالاً متناقض! خود باب "گپ و گفتی" را با خدا می گشایم، و در نهایت در سه محور؛ (الف) مسئله دزدی (ب) علت های دزدی (ج) تکالیف در قبال دزدی، به جمع بندی مطالب کتاب پرداخته و در کلام آخر نیز؛ یک پیشنهاد درخواستی مطرح می شود.

مطالب این کتاب ممکن است برای برخی از خوانندگان ناخوشایند به نظر آید، لذا؛ متانت و صبوری و عدم جبهه گیری قبل از مطالعه‌ی همه-ی بخش های کتاب توصیه می‌شود، برای این منظور از همراهی ذهن و فکر خویش بپرهیزید، با مؤلف همراه شوید، درست مثل تسلیم شدن یک بیمار به هنگام تزریقات آمپول، که عضله را باید شل کرد و به دارو و درمان متوجه شد. این اثر همانند بسیاری از تألیفاتِ دیگر خالی از اشکال نیست! بنابراین؛ رهنمودهای شما باعث افتخار و خوشبختی ما خواهد شد.

با سپاس!

حسین فغان پور گنجی

زمستان یکهزار و سیصد و نود و شش

پیشگفتار

جرم یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری است و هزینه های زیادی برای افراد جامعه دارد و تهدیدی برای حیات و تمامیت فردی و دارایی انسانها می باشد. در محیطهای شهری وقوع این جرایم با هدر رفتن منابع اقتصادی و ایجاد اختلال در کیفیت زندگی افراد جامعه همراه است. این امر با ازدیاد جمعیت و تراکم شهرها و صنعتی شدن جوامع شتاب فزایندهای یافته است. از این میان می توان به جرأت گفت؛ که ترس از بزه دیدگی بیشترین تهدید را به همراه دارد. کشورهای پیشرفته تلاش زیادی برای کنترل تهدیدها انجام داده اند و علی رقم آنکه در کنترل عوامل تهدید کننده ی طبیعی موفق بوده اند، ولی تهدیدهای انسانی در این کشورها همچنان رو به افزایش است. بیشترین جرایمی که باعث به وجود آوردن این احساس در جامعه می شود، جرایمی هستند که همراه خشونت اتفاق می افتند، جرایمی از قبیل: سرقت، تجاوز و قتل بیشترین دلهره و ترس را در زندگی افراد ایجاد می کنند (معظمی و سیاوشی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). در این میان «دزدی» به عنوان یکی از شایع ترین ناپهنجاریها در میان جرایم شناخته می شود، مطالعه و بررسی آسیبها و انحرافات اجتماعی از جمله پدیده سرقت از گذشته های دور مورد توجه و علاقه ی متفکران و اندیشمندان بوده است، و همیشه در جوامع مختلف، میزانی از جرم در هر زمان وجود داشته و خواهد داشت، و به قول (دورکیم)، جرم؛ هم پدیده ای طبیعی است (ادهمی و تجربی، ۱۳۹۵: ۴۴). جرم سرقت از با سابقه ترین جرایم بشری است که در جوامع مختلف به شیوه های گوناگون دیده می شود، با گذشت زمان شیوه ها و روشهای سرقت، نوع اموال و اشیای

مسروقه و وسایل و ابزار مورد استفاده برای ارتکاب سرقت تغییر یافته است اما زشتی این کار بدون تغییر باقی مانده است (دهباغی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). بنابراین؛ موضوع سرقت و ابعاد آن به عنوان یکی از چالش‌های مهم حوزه جرم‌شناسی همچنان باقی است. امروزه اغلب سرقت‌ها با برنامه ریزی دقیق و با بهره‌وری از امکانات فنی پیشرفته انجام می‌شود و سارقین از آخرین تکنولوژی موجود در جهت کار خود سود می‌برند، به همین لحاظ مقابله و برخورد با سرقت و سارقین نیز؛ متناسب با اقدامات سارقین متحول گردیده، و به صورتی علمی و حساب شده در آمده است. سرقت همانند جرایم دیگر، از جهت کمی و کیفی دچار تحول، و از لحاظ تنوع در انواع و اشکال مختلفی رواج یافته است، و مکان و زمان نمی‌شناسد، و در هر لحظه از شبانه روز احتمال وقوع آن هست، و این پدیده زشت نه تنها نظام مالی افراد و اشخاص، بلکه به اقتصاد و روان جامعه نیز لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌نماید، (محمدیان نسب و پارسازاده، ۱۳۹۴: ۲۲). از آنجایی که سرقت یکی از عواملی است که موجب برهم خوردن نظم و آرامش جامعه می‌شود، و این گونه حرکات تاثیر عمیقی در ایجاد ناامنی و وحشت میان افراد دارد، و از سویی دیگر در جامعه ما نیز؛ با توجه به ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، ساختار جمعیتی بسیار جوان، وجود مشکلات عدیده اقتصادی، انحرافات (از جمله سرقت)، که به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مسایل اجتماعی به شمار می‌آید، ضرورت پرداختن به این پدیده اجتماعی - طبیعی بیش از پیش مهم به نظر می‌رسد.

شرح واقعه ی دزدی :

هر شب قبل از رفتن به رختخواب، و هر صبح به هنگام بیدار شدن از خواب؛ طبق عادت، پرده ی پنجره ی اتاق خواب را کنار می‌زنم، و به بیرون ساختمان، جاده ی بیست متری مقابل آپارتمان، و البته آسمان؛ سرک می‌کشم. این حرکت بواسطه ی دزدی‌هایی که گاهی اوقات در آپارتمان‌ها و ماشین‌های پارک شده در کناره‌ها به وقوع پیوسته است، و ما نیز؛ از آن بی بهره نبودیم، صورت می‌پذیرد. آخرین نمونه ی آن چند شب پیش در آپارتمان ما اتفاق افتاده است. شیر پاک خورده‌ای، تلقی نارنجی رنگِ دروازه را در ناحیه ی در بازکن، با فندک داغ کرده است، و با یک میله یا چوب، سوراخی به قطر و اندازه ی یک انگشت، ایجاد کرده است. سپس؛ با یک سیم سرکج زنجیر را کشیده و دروازه را باز کرده است. از آنجائیکه، در صندوق صدقات آویزان به دیوار؛ پول کافی وجود داشت، به وسایل دیگر دست نزد، و صندوق صدقه ی خالی شده را به همراه سیم سرکج در گوشه ی پارکینگ انداخت، و رفت.

در طی سه سالی که در این آپارتمان پنج واحدی ساکن شدیم، یک بار چند کیسول آتش نشانی، بار دیگر دوچرخه ی دنده‌ای واحد یک، در مرحله ی دیگر برنج انباری واحد سه، و یک بار هم دوچرخه ی دنده‌ای نو پسر، و یک بار دیگر هم؛ صندوق صدقات را با پول برده‌اند. توضیح آنکه، من مدیر آپارتمان بودم زیر پله یک نرده ی آهنی برای استقرار دوچرخه -ها درست کردم، و سه دوچرخه (دو دستگاه برای پسرانم و یک دستگاه برای پسر همسایه)، در آن قرار گرفته و هر سه هم با قفل حلقه‌ای به نرده بسته شده بودند، اما دوچرخه ی پسر بزرگم که نو و دنده‌ای بوده است، با قیچی کردن و بریدن قفل جناب دزد سرقت کرده است.

البته؛ با بررسی‌هایی که خودم انجام دادم، متوجه شدم، آقا دزده دفعات قبل از سمت زمین خالی مجاور، در چند نقطه‌ی دیوار بلوکی شکستگی ایجاد کرده، و پله و جادست ساخته است، و دیوار سه متری را بالا آمده است. در قضیه‌ی دزدی دوچرخه اول، همسایه‌ی واحد یک با ۱۱۰ تماس گرفت و مامور آورد و برایش توضیح داد که؛ " آقا دزده یک دوچرخه‌ی معمولی و کهنه را وارد ساختمان کرده است، و با دوچرخه‌ی نو و دنده‌ای پسرش خارج شده است". ایشان چون لوازم منزل خود را بیمه‌ی سرقت کرده بودند، به این گزارش پلیس نیاز داشتند. من هم برای سرقت دوچرخه‌ی پسرم با ۱۱۰ تماس گرفتم، و مأمور آمد و صورت جلسه تنظیم کرد. کپی شناسنامه و سند دوچرخه را هم که خواسته بودند، به آن‌ها دادم، قرار بر این شد تا هر چند گاهی به آگاهی سری بزنم، و کشفیات آن‌ها را ملاحظه کنم، و اگر مالی از برای من بود ادعا کنم. یکی دو بار هم سری زدم، ولی چند دوچرخه‌ی پوسیده و شکسته بیشتر نبود! البته؛ خودم بیکار ننشستم، و به دوچرخه فروشی و تعمیرگاه دوچرخه در سطح شهر سری زدم، و از خرید و فروش احتمالی دوچرخه پرسیدم، و با دادن شماره‌ی تماس خودم از سرقتی بودن آن اطلاع رسانی کردم. اما برای سایر سرقت‌ها دیگر پلیس نیاوردیم، چون؛ احساس کردیم نتیجه‌ی ای ندارد! اما قفل کردن دروازه و بیدار باشی و هوشیاری بیشتر در شب، به برنامه‌های مان اضافه شد. گاهی مجبور می‌شدم با آمدن مهمان در شب از ساختمان پایین بروم و قفل درب را باز کنم، و یا هنگام رفتن آن‌ها را تا پایین بدرقه کنم، و با دو قفله کردن دروازه بر گردم. این کار را به واحد‌های دیگر هم توصیه کرده بودم. لازم بود این کار مدتی انجام شود، تا عادت از سر جناب دزد بیافتد! چند وقت پیش انتهای کوچه ما در یک آپارتمان در حال ساخت،

دزد هر چند وقت می آمد و ابزار و وسایل ساختمانی را می برد. مالک ساختمان کمین کرد، و بالاخره آقا دزده را گیرانداخت. او را به شیوه‌ی خودش تنبیه سختی کرد، تا اینکه به سرقت وسایل و محل اختفا و فروش آن ها دست یافت. این جریان بعد ها توسط یکی از همکارانم که در همسایگی ساختمان در حال ساخت و چند پلاک پایین تر از آپارتمان ما سکونت داشت، برایم نقل شده است. اگر زودتر جریان را می فهمیدم شاید برای سرقت های آپارتمان ما از او شاکی می شدم. بعد-ها با پیشنهاد من و توافق جمعی ساکنان آپارتمان، تعدادی دوربین به گونه‌ای نصب کردیم که حیاط و ورودی دروازه و محدوده‌ی بیرون آپارتمان را پوشش بدهد. در این دوران نیز؛ پنج سرقت مشاهده و ضبط گردید. سرقت رفتن سَر و طلایی رنگ بیرون ساختمان ما توسط یک جوان دارای پیکان سفید درهنگام غروب، سرقت رفتن کیف لپ‌تاپ با پرونده‌ها و البته بدون لپ‌تاپ از ماشین همسایه در ساعت دو بعد از ظهر تابستان توسط یک جوان، سرقت رفتن کامپیوتر ماشین پژوی واحد یک ساختمان ما در بیرون آپارتمان در ساعت یک شب توسط دو موتور سوار در کمتر از چهل و پنج ثانیه، و شکسته شدن زبانه‌ی دروازه با اهرم کردن یک قلم دستی به طول حدود بیست سانتی متر توسط یک آقا با سر و وضع مرتب، که بند یک کیف دستی به موج دست چپش آویزان بود و با دست راستش آَلکی یک گوشی تلفن همراه را به گوش راستش گرفته بود، هنگام غروب وارد آپارتمان شد، و گشتی در حیاط و طبقه‌ی پایین و زیر پله زد و رفت! اتفاقاً" به دلیل کافی بودن نور و نزدیک بودن دزد به دوربین، این تصویر را CD کرده و به آگاهی بردم و خواستار پیگیری شدم. با کمال تعجب، افسر نگهبان چند آلبوم عکس به دستم داد، و گفت: بگرد ببین اگر به کسی از اینها شباهت دارد

ما پرونده از او داریم. گفتم: شاید بار اولش باشد، و تا کنون گیر نیافتاده باشد، خوب شما یک نگاه به فیلم چند دقیقه ای من بباندازید، و لازم شد به اطراف ارسال کنید و استعمال کنید! CD را گرفت و به گوشه ی میزش انداخت و پی کار دیگرش رفت. من قبلاً اسم و شماره ی تماسم را روی پاکت نوشته بودم، و امید داشتم بررسی کنند، و لازم شد با من تماس بگیرند. البته؛ از اقدام این دزد، غیر از شکسته شدن قفل دروازه که مجبور شدیم به خریدن قفل کله گاوی، و خواهش سه فوریتی از مهندس برق همکارم جهت نصب، و خواهش دو فوریتی دیگری از یک جوشکار آشنا فردای روز حادثه، خسارت دیگری به ما وارد نشد! جمع هزینه های قفل و اجرت جوشکاری و مهندس برق و تکثیر چند سوئیچ قفل سی صد هزار تومانی خرج مادی روی دستمان گذاشت. بعلاوه هزینه های روحی و روانی و... ایکاش می شد این فیلم ها را در فضای مجازی پخش نمود تا هویت دزدان آشکار گردیده و یا به افزایش آگاهی مردم منجر گردد، اما محدودیت های اخلاقی و قانونی احتمالاً مانع هستند. خلاصه اینکه، این کار هم نتیجه نداد! جالب است بدانید، دو تن از بستگانم (برادر و دامادم)، با درجه ی سرهنگ تمامی در معاونت های وظیفه و پشتیبانی نیروی انتظامی خدمت می کنند، اما نقش فعالی را برایم ایفا نمی کنند! خواستند از موقعیت خود سوء استفاده و یا در کار همکارانشان مداخله نکرده باشند. خودم چند سالی را در اداره ی آموزش و پرورش مسئولیت داشتم، و به روابط غیر رسمی درون سازمانی و همگرایی یا واگرایی نیروها نسبت به یکدیگر، ساده تر بگویم؛ متوقع شدن به جبران این همکاری درشکلی دیگر، کاملاً واقف هستم. لذا؛ هیچ اصرار و یا تقاضایی در این خصوص از آن ها نمی کردم. گه گاهی در مهمانی های خانوادگی به شوخی موضوع را مطرح می کردم،

و می‌خندیدیم! مثلاً" می‌گفتم: شاید دزدان متوجه شدند من دو جناب سرهنگ دارم زود، زود، به ما سر می‌زنند؟! و یا اینکه، من چقدر ساده هستم که به شماها شام میدهم! نکنه این دزدان را شما... و دامادم که به شوخ طبعی شهره است، می‌گفت: تو تا چند شام مفصل و یا کباب فلان چی نادادی دزدتان گیر نمی‌افتد! صادقانه خدمت شما عرض کنم پارتنی، هیچ وقت به من نساخته است، و هر وقت در کاری ناخواسته به پارتنی زمینیان روی آوردم گره کارم محکم تر شده است! بر اساس تصاویر دوربین‌ها اغلب دزدان بین بیست تا سی سال سن داشته‌اند، و در اوقات متفاوت به سرقت مبادرت کرده‌اند. گاهی افراد مختلف از کنار گوشه‌ها مراجعه می‌کردند و از ما می‌خواستند که سارقِ کیف قاپی، و یا رد شدن ماشین با تیر آهن و ... را برایشان رد یابی کنیم، اما انجام این درخواست‌ها به دلایلی چند مقدور نبوده است. در یک مورد با حکم دادستانی و با اکراه همکاری داشتیم. یک‌بار به دلیل فراموش کردن رمز دستگاه، آن را برای بازبازی اطلاعات به تهران فرستادم. اگرچه فیلم سرقت بازبازی شد، ولی مجبور شدم به هزینه‌ی خودم یک دستگاه دیگری بخرم. چون قصور از سوی من صورت گرفت، و دستگاه غیر قابل استفاده بود. خلاصه اینکه هنوز بهره‌ی لازم را از سیستم دوربین نبردیم. اینگونه شد که من وارد ماجرای دزدی شدم.